اصول مديريت شهرى و شهرسازى رسول اكرم صلى ‏الله عليه ‏و‏آله در مدينه‏ النبى

معرفت سال بيستم ـ شماره 171 ـ اسفند 1390، 11ـ24

اصول مديريت شهرى و شهرسازى رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مدينه‏النبى

حسن ستارى ساربانقلى\*

چكيده

حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، اسوه حسنه تمدن اسلامى براى تمامى قرون و اعصار است. هدف اين پژوهش بيان مؤلفه‏هاى بنيادين تفكر عملى و نظرى پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در زمينه اصول شهرسازى و مديريت شهرى مدينه‏النبى است كه به روش توصيفى تحليلى بر مبناى مطالعات كتابخانه‏اى و بررسى سنت، سيره و گفتار پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله تدوين شده است. يافته‏هاى پژوهش، بيانگر اصول مترقى و پيشرفته‏اى است كه توسط رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله با توجه همزمان به مباحث مادى و معنوى، در باب شهرسازى و مديريت شهرى مدينه‏النبى به كار گرفته شده است. به كارگيرى محورهاى نوزده‏گانه به دست آمده كه فرازمانى هستند، علاوه بر اينكه راه‏گشاى نگرش به شهرسازى در تمدن اسلامى است، موجب بررسى چشم‏اندازهاى شهرسازى دوران معاصر با سيره نبوى خواهد گرديد. مفاهيم شهرسازى و مديريت شهرى مورد استفاده رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در شهر مدينه، مى‏تواند در شهرهاى اسلامى معاصر نيز با بازخوانى دوباره مورد استفاده قرار گيرد.

كليدواژه‏ها: مدينه‏النبى، رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، مديريت شهرى، شهرسازى، شهرسازى اسلامى

مقدمه

شهر پايگاه اصلى تمدن انسانى و تبلور ذهنى و تكنولوژيك بشر است.4 انديشه‏هاى شهرسازى، قدمتى به طول تاريخ بشرى دارد. شهرها بيانگر و جلوه‏گاه باورها و شيوه زيست مردم و نتيجه نگرش آنها به هستى است.5 شهر مناسب با ايده‏آل‏هاى روحى و روانى بشر، مى‏تواند موجب شادكامى و كاميابى و حل بحران‏هاى مادى و معنوى انسان ساكن شهرها گردد. آگاهى از بحران هويتى موجود در شهرها و كلان‏شهرها، بخصوص بحران‏هايى كه در شهرهاى اسلامى به دليل تقليد محض انديشه‏هاى غربى نامتناسب با فرهنگ اسلامى پديدار گشته است، موجب رويكرد دوباره به متون اصيل اسلامى و بازخوانى و احياى جايگاه اجتماعى انسان‏ها از نظر اسلام گشته است. اسلام در نظر بسيارى از محققان، آئينى مدنى است كه مشاركت جمعى را در عبادت فردى مورد توجه قرار مى‏دهد. گرچه تقوا تنها منبع سنجش است، اما اين مطلب به طور گسترده پذيرفته شده است كه بيشتر تعليمات اسلام، به بهترين شكل در محيطى شهرى نمود پيدا مى‏كنند.6 در شهرهاى اسلامى صدر اسلام، مفاهيمى به كار رفته است كه براى شهرهاى اسلامى معاصر نيز قابل استفادهمى‏باشد. بررسى معانى و مفاهيم شهرسازى در بطن انديشه اسلامى و كنكاش در سيره رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، براى رسيدن به انديشه‏هاى پويا، قابل استفاده در شهرهاى اسلامى معاصر امرى ضرورى است. شهرسازى حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، مبتنى بر شناخت حقيقت و مراتب مختلف وجودى مادى و معنوى انسان و حركت از ظلمات به سمت نور بوده است.7 در تمدن اسلامى نيز على‏رغم بحث‏هاى مختلف، هنوز مفهوم شهرسازى و شهر اسلامى، نياز به بحث و بررسى دقيق‏ترى دارد. ضرورت پرداختن به موضوع، به لحاظ تاريخى و تمدن اسلامى قابل درك است. بازگشت به

خويشتن و بهره‏گيرى و احياى ارزش‏هاى تمدن اسلامى، توجه به معيارهايى كه شهرهاى ما را بتواند به مفاهيم انسانى و آسمانى اسلامى نزديك‏تر سازند، داراى اهميت است. از لحاظ ضرورت دانشگاهى نيز در حال حاضر در دانشگاه‏ها در رشته شهرسازى، رشته‏اى تحت عنوان «شهرسازى اسلامى» تعريف شده است كه هنوز در ابتداى راه قرار دارد. مطالعاتى از اين دست مى‏تواند به درك و فهم اين رشته‏ها بهتر و بيشتر كمك نمايد. نگرش و بررسى‏هاى بنيادين در سيره و سنت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مدينه‏النبى، مى‏تواند كمك شايانى به شناخت عميق و اصيل مفاهيم شهرسازى اسلامى نمايد.

على‏رغم نگرش‏هاى مهم رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در احكام مربوط به زندگى اجتماعى و مدنى، متأسفانه اين مبحث كمتر مورد توجه عميق محققان قرار گرفته است. برخى محققان به طرح ايده‏هاى شهرسازى در آموزه‏هاى حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهبه اجمال پرداخته‏اند كه از آن جمله‏اند:

عمر سپاهيك8 در سال 2003م، در تحقيقى تحت عنوان «برخى دروس مانا و جهانى حضرت رسول اكرم در موردبرنامه‏ريزى و توسعه شهرى»9 به طرح برخى ديدگاه‏هاى مديريتى و برنامه‏ريزى حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در بابشهرسازى پرداخته است.

پائولو كونئو،10 در كتابى تحت عنوان تاريخ شهرسازى جهان اسلام، كه توسط وزارت مسكن و شهرسازى كهتوسط سعيد تيزقلم زنوزى، در بهار 1384 به فارسى برگردانده شده، به طور مختصر در اين باب سخن گفته است.

هشام مرتضى، در فصل سوم كتاب اصول سنتى ساخت و ساز در اسلام، كه توسط معاونت شهرسازى و معمارى وزارت مسكن و شهرسال در بهار 1387 توسط ابولفضل مشكينى و كيومرث حبيبى به فارسى برگردانده شده است، در مورد برخى موارد ساختار فيزيكى محيط در صدر اسلام مطالبى نوشته است.

محمد عبدالستار عثمان در كتاب مدينه اسلامى در بخشى تحت عنوان «پيدايش شهر اسلامى»، خلاصه‏اى از مفاهيم و ايده‏هاى شهرسازى حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را طرح كرده است.

بسيم سليم حكيم، در كتاب شهرهاى عربى ـ اسلامى اصول شهرسازى و ساختمانى، كه در سال 1381 توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، توسط محمدحسين ملك‏احمدى و عارف اقوامى مقدم به فارسى ترجمه شده است، به بيان انديشه‏هاى احكام فقهى اسلامى ـ تأثيرگذار در ساختار شهرهاى اسلامى و نيز بررسى عناصر شهرى ـ در شهرهاى اسلامى، همراه با تفسيرى از فرايند ساخت و ساز فرم شهرى مى‏پردازد.

مبانى نظرى

مفهوم «شهرسازى» در تعاريف كل‏نگر از مفهوم صرف اداره شهر فراتر مى‏رود و با ساختارهاى اجتماعى، سياسى و اقتصادى پيوند دارد و نقش برجسته‏اى در توسعه شهر پيدا مى‏كند. در اين نگرش، شهرسازى مسئوليتى استراتژيك تلقّى مى‏شود كه ضرورتا با نتايج و پيامدهاى عملياتى نيز همراه است. از اين‏رو، تعامل آن با حوزه‏هاى قدرت، سياست، اجتماع و اقتصاد شهرى اجتناب‏ناپذير است. شهرسازى عبارت است از: سازماندهى عوامل و منابع براى پاسخ‏گويى به نيازهاى ساكنان شهر. هدف كلان آن، ايجاد محيطى قابل زندگى همراه با عدالت اجتماعى، كارآيى اقتصادى و پايدارى زيست محيطى است.11 پس شهرسازى، مفهومى فراتر از مفاهيم مادى صرف است و بر كليه علل و عوامل مادى و معنوى، فعاليت‏هاى شهرى در راستاى رسيدن به ايده‏آل‏هاى زندگى مادى و معنوى ساكنان شهر دلالت دارد.

مفاهيم شهرسازى رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مدينه‏النبى

سيره رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مديريت شهر مدينه، ناظر بر ارتقاى معيارهاى مادى و معنوى و اعتلاى سطح بينش شهروندان بوده است.

تعيين نقيبان و نمايندگان سرپرست براى مدينه

رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مقدمه‏چينى براى هجرت در پيمان عقبه دوم، دوازده نماينده از مردم شهر براى ساماندهى و سرپرستى قوم از سوى خودمردم تعيين فرمودند. پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهفرمود: دوازده نقيب برگزينيد كه به كار قوم خويش بپردازند. دوازده نقيب برگزيده شد... ابن اسحاق گويد: آن‏گاه پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به نقيبان گفت: بر كار قوم خويش هستيد و... سرپرست آنهاييد.12 در موارد ديگر نيز پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در غياب خود در مدينه، جانشينى براى اداره امور شهر برمى‏گزيد تا در غياب او امور شهر را ضبط و ربط كند.13

تغيير و تحول ساخت قبيله‏اى به ساخت شهرى

با ظهور پيامبر رهبرى الهى، جايگزين شيخوخيت قبيله‏اى و توحيد، جايگزين شرك و مسئوليت‏پذيرى، جايگزين مسئوليت‏گريزى و مديريت الهى، جايگزين مديريت شرك‏آلود گرديد. تغيير نام «يثرب» به «مدينه»، سرآغاز عينى تغيير از ساخت قبيله‏اى به ساخت شهرى و مفهوم شهروندى است. از آن پس، به جاى شنيدن نام قبايل، با نام‏هايى از قبيل اهل مدينه، اهل قبا، اهل طائف مواجه مى‏شويم. چنين نام‏هايى... بيانگر تحولات فرهنگى و روى آوردن به شهرنشينى است.14 در شهر مدينه، براى نخستين بار در تاريخ و تمدن اسلامى، مفهوم شهروندى و مفاهيم شهرى ايجاد گرديد.

مشاوره در نظام شهرسازى رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله

آياتى نظير «وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ» (آل‏عمران: 159) و «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شورى: 38) زمينه‏ساز مشاركت همگانى در مديريت مدينه‏النبى رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله مى‏باشند كه متضمن همكارى و هماهنگى تنگاتنگ مسئولان با آحاد و توده‏هاى مردم مدينه بوده است. «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِى الْأَمْرِ» اين جمله براى اين است كه سيره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را امضا كرده است؛ زيرا آن جناب قبلاً هم همين‏طور رفتار مى‏كرده و جفاى مردم را با نرم‏خويى و عفو و مغفرت مقابله مى‏كرده و در امور با آنان مشورت مى‏كرده است. به شهادت اينكه اندكى پيش از وقوع جنگ با آنان مشورت كرد، و اين امضا اشاره‏اى است به اينكه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله بدانچه مأمور شده، عمل مى‏كند. خداى سبحان نيز از عمل ايشان راضى است.»15 «پيامبر در اداره مدينه، به شهروندان اعتماد به نفس و شخصيت مى‏داد. در شورايى كه براى تدوين راهبرد جنگى در غزوه احد تشكيل داد، نظر پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهدفاع شهرى بود، اما مسلمانان جوان و با روحيه، نظر به جنگ در خارج شهر دادند و پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به عقل جمعى احترام گذاشت.»16 در گفتار حضرت نيز لزوم توجه به مشورت مكررا ديده مى‏شود. احاديثى نظير «مشورت، حصارى (در مقابل) پشيمانى و ايمنى (در مقابل) سرزنش (ديگران) است»؛17 «اساس عقل پس از ايمان به خدا، دوستى با مردم است. هيچ مردى نيست كه از مشورت بى‏نياز باشد»؛18 «هيچ كسى بعد از مشورت هلاك نمى‏شود»؛19 همگى بيانگر لزوم توجه به نظام مشورتى در گفتار پيامبر بوده است. با بررسى سيره و سنت حضرت، نيز نه تنها در مديريت جنگ‏ها، بلكه در مديريت كليه شئونات شهرى از سيستم مشورتى با صحابه و توده‏هاى مردم سود مى‏بردند. نظام مديريتى پيامبر، مبتنى بر بيعت و مشاركت همگانى و تأييدات الهى شكل گرفته كه اين مصاديق، از عموم آيات برداشت گرديده است. شهرسازى نيز مبتنى بر مشاركت همگانى توده‏هاى همگانى و اداره امور شهر، با مشاركت مؤمنان و خردمندان و اهل حل و عقل و نخبگان جامعه اسلامى صورت مى‏گيرد. خداوند متعال نيز مشورت را مورد تأكيد و تشويق قرار داده و آن را در كنار دعا، نماز و انفاق مطرح نموده است.20 در مواردى نيز خداوند به پيامبر دستور داده است با مسلمانان مشورت كند. رأى و نظر آنان را بخواهد.21

همبستگى نهادها و قوميت‏ها و طوايف مختلف شهرى در شهر رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله

آغاز ورود پيامبر به مدينه، مصادف با اختلاف قوميت‏هاى مختلف نژادى و قبيله‏اى در شهر مدينه است. اختلافات عميق دو قبيله اوس و خزرج نيز كه توسط يهوديان مدينه بر آتش اين اختلافات دامن زده مى‏شود. تدوين نخستين پيمان نامه عمومى در اسلام در شهر مدينه، توسط رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در همان نخستين ماه‏هاى ورودشان به مدينه، كه عهدنامه‏اى ميان مهاجرين، انصار و يهود است، تجلى همبستگى نهادهاى مختلف مردمى در شهرمدينه است. مواد عمده اين پيمان، به نقل ابن‏اسحاق عبارتند از: زندگانى مسلمانان و يهود مانند يك ملت در مدينه، آزادى مسلمانان و يهود در مراسم دينى و عبادى خود، دفاع از همديگر در صورت حمله دشمن، دفاع مشترك از شهر مدينه، قرارداد صلح با دشمن با مشورت مشترك، حرام شدن خونريزى در مدينه، قبول حكميت رسول اكرم به عنوان آخرين داور در حين نزاع و اختلاف.22 تمامى اين موارد، نمود تفكر همبستگى در پايه‏گذارى تمدن اسلامى در مدينه‏النبى عهد پيامبر است.

پيدايش همبستگى اجتماعى

در نخستين سال ورود حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به مدينه، يكى از مهم‏ترين ابتكارات شهرسازى و پيوند لايه‏هاى مختلف اجتماعى و طبقات مختلف در شهر مدينه، افزون بر پيوندهاى وحدت‏بخش دينى پيوند عقد اخوت و برادرى بين كليه مسلمانان، اعم از زن و مرد مى‏باشد. رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مجلسى عمومى فرمودند: «تاخوا فى اللّه اخوين اخوين.»23 اين پيمان برادرى همگانى بر مبناى نفى انگيزه‏هاى قومى و قبيله‏اى و بر مبناى محوريت حق و همكارى اجتماعى شهرى شكل گرفت كه به فرموده خداوند متعال «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَينَ أَخَوَيكُمْ.» (حجرات: 10)

تشويق شهرنشينى در قبال بيابانگردى

كوچ‏نشينى بدوى، بستر اجتماعى جاهليت بود. عرب بدوى زندگى شهرنشينى را تحقير مى‏كرد.24 در انديشه رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، ساختار سنتى قبيله‏اى و تعصبات قومى، مانعى براى اتحاد و وحدت و تشكيل جامعه نوپاى تمدن اسلامى بوده است. حضرت براى تقويت ساختار شهرى مدينه، تلاش‏هاى مستقيم و غيرمستقيم بسيارى انجام دادند. از جمله آنها مى‏توان واجب نمودن هجرت به شهر مدينه و خارج كردن افراد از بيابان به شهرنشينى و مدينه‏نشينى (از كوچ‏نشينى به يكجانشينى) و تحريم شرعى رجوع مجدد به باديه نام برد.25 هجرت، سبب تحول نظام قبيله‏اى و قومى و حركت در راستاى تشكيل امت واحد اسلامى، در محيط شهرى مدينه و آغاز اصلاحات رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهدر جامعه، سبب شكل‏گيرى تمدن اسلامى گرديد. مسئله هجرت در قرآن بيان شده است.26 در هر صورت، اين نكته كاملاً در تفكر انديشه رسول اكرم متجلى است كه اسلام در محيطى اساسا شهرى ظهور يافت و در آبادى‏هاى مدينه شكوفا شد. بيشتر اسلام‏پژوهان با قضاوت گرون بام،27 موافق‏اند كه دين محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهكاملاً با زندگى شهرى تناسب دارد.28

توجه به نقش اجتماعى زنان

در تفكر و سنت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، موقعيت و نقش اجتماعى زنان احيا شد. حضور آنان در عرصه‏هاى گوناگون اجتماعى فراگير شد.29 نياز به حضور زنان در عرصه‏هاى مختلف حيات جمعى، سبب تدوين و تقويت نهاد خانواده و نهاد حجاب در مناسبات شهرى جامعه اسلامى در مدينه‏النبى گرديد. در شرايطى كه حضور زنان خدمتكار و كنيزان در اجتماع مردانه جاهلى، حضورى بدلى و حاشيه‏اى و حضور زنان بالا نيز حضورى بدل از حضور مردان اشراف بود، زنان در موقعيت‏هاى اجتماعى بودند تا برترى مردان خود را نشان دهند و احترام ديگران را براى او برانگيزند.30 پيامبر با اهميت به نقش اجتماعى زنان، به هنگام بيعت، با زنان نيز بيعت نمود. پيامبر در عصرى كه مردم فرزند دختر داشتن را ننگ و عار مى‏دانستند و از شنيدن خبر صاحب دختر شدن چهره درهم مى‏كشيدند، از دخترش به بهترين وجه ياد مى‏كند. او را احترام مى‏كند، لقب ام‏ابيها به او مى‏دهند و در قرآن هم سوره «كوثر» در ثناى او مى‏آيد كه او را خير كثير معرفى مى‏كند.31 در چنين شرايطى كه در تاريخ و تمدن اسلامى، حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهامكان حضور و ظهور زنان در عرصه‏هاى مختلف زندگى شهرى، مهاجرت، آموزش، بحث و فحص، شركت در جنگ‏ها، شركت در مناسبات اجتماعى، شركت در مساجد، شركت در پيمان‏ها و قراردادهاى شهرى اجتماعى، پرستارى، حفر خندق، مشاركت و تصميم‏گيرى در امور و عرصه‏هاى گوناگون شهرى را با حفظ كرامت انسانى و ارزش وجودى زنان فراهم مى‏آورد. چگونگى حضور زنان نيز در عرصه‏هاى مختلف زندگى شهرى مدينه‏النبى، پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله تابع كنش متقابل اجتماعى با تأكيد بر اصل حجاب،32 نهاد خرد خانواده به عنوان نهاد تشكيل‏دهنده پيكره نهاد كلان شهرى، و حرمت نظام حقوقى و شهرى زنان در عرصه‏هاى مختلف شهرى بوده است.

توجه به عرصه‏هاى اقتصادى

تدارك منابع درآمدى براى تضمين موفقيت سياست‏هاى شهرى و بهينه‏سازى حيات اقتصادى شهرى، يك ضرورت است. فقدان عدالت اقتصادى نيز مى‏تواند ضمن وارد كردن آسيب‏هاى جدى به باورهاى شهرى نوپاى پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، زمينه‏ساز تشديد دنياطلبى و فساد گردد. در چنين شرايطى، حكم پرداخت زكات اعلام و به مرحله اجرا گذاشته شد.33 از سوى ديگر با دستور زكات از سوى خداوند متعال، كه بر مسلمانان واجب گشته است (توبه: 60) از مصارف هشت‏گانه ذكرشده فوق، يكى «وَفِى سَبِيلِ اللّهِ» ذكر شده است كه به نوشته مفسّران «سبيل اللّه» يعنى كارى كه مانند ساختن مسجد منفعت عمومى دينى دارد. يا مثل ساختن پل و اصلاح راه، كه نفع آن به عموم مسلمانان مى‏رسد و آنچه براى اسلام نفع داشته باشد به هر نحو كه باشد.»34 از عرصه‏هاى گوناگون اقتصادى، نظير زكات تحت مديريت شهرى پيامبر براى بهبود كيفيت و كميت فضاهاى شهرى مدينه‏النبى ميسر بهره‏بردارى مى‏شد. زكات بخشى از پشتوانه اقتصادى ساخت و ساز در شهر مدينه را فراهم مى‏كرد. علاوه بر اين، پيامبر توجه خاصى به فضاى بازار در شهر مدينه داشته‏اند. روايات بسيارى بر دخالت پيامبر در تعيين محل بازار در مدينه دلالت دارد.35 در روايتى ديگر، پيامبر بر بازار مدينه در مراحلى شخصا هم در تعيين مكان و هم مراحل مختلف نظارت داشته‏اند.36 در روايتى از پيامبر نقل شده است: «كسى كه به بازار ما مسلمانان چيزى وارد كند، مانند كسى است كه در راه خدا جهاد مى‏كند.»37 پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، ضمن هشدار پرهيز از رباخوارى، كم‏فروشى، گران‏فروشى (انعام: 152) و احتكار در فضاهاى اقتصادى، به تأسيس بازار مستقل براى مسلمانان شهر مدينه اقدام نموده‏اند. اين سلسله عوامل، بيانگر توجه و اهميت فضاى اقتصادى در تاريخ و تمدن اسلامى مدينه‏النبى در شهرسازى پيامبر با نظارتى كافى و مداوم است.

جوان‏گرايى در مديريت شهرى

از ويژگى‏هاى سنت و سيره پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله توجه و احياى حقوق فردى و اجتماعى جوانان بود. از آنجايى كه اهليت دانايى و توانايى، درك و درد دينى، تعهد و تخصص، درايت و مديريت براى آن حضرت اصالت داشت، هم به نسل جوان در حوزه‏هاى فرهنگى ميدان مى‏داد و هم آنان را در عرصه‏هاى مديريت به كار مى‏گرفت.38 در واقع، شايسته‏سالارى و جوان‏گرايى ملاك پيامبر بود، نه مسن‏گرايى. پيامبر بارها از جوانان براى حيطه‏هاى گوناگون شهرسازى استفاده نمود. به عنوان مثال، مصعب‏بن عمير را به درخواست اسعدبن زراره، به عنوان سفير و نماينده خويش به مدينه اعزام نمود.39 در سال هشتم هجرت، پس از فتح مكه عتاب‏بن اسيد جوان را فرماندار مكه و نماينده خويش و معاذبن جبل جوان را به عنوان نماينده فقهى دينى برگزيد.40 اسامه‏بن زيد را به عنوان فرمانده سپاه انتخاب نمود. اسامه در آن روز حدود بيست سال بيشتر نداشت، بلكه برخى سن او را هجده سال نوشته‏اند.41 از اين‏رو، از مؤلفه‏هاى تمدن‏سازى پيامبر، واگذارى امور به جوانان شايسته مسلمان و شايسته‏سالارى در حوزه جوان‏گرايى بود.

ثبت آمار و توجه به واقعيات موجود

پيامبر براى دقت و صحت بيشتر مسائل، به ثبت و ضبط آمار اهتمام فراوان داشتند. روايت شده است كه پيامبر به حذيفه‏بن يمان فرمان داد كه آمار مسلمانان را ثبت كند.42 آنچه مهم است اين است كه پيامبر در اداره دولت شهر مدينه و مديريت شهرى آن، از آمار و واقعيات عينى جامعه شهرى بهره مى‏گرفت و خود به بيان راه‏حل‏هاى متناسب با واقعيات موجود، در عين داشتن توجه به افق آينده شهرى اقدام مى‏نمود.

ايجاد روحيه تعاون و همكارى

رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در پى احياى روحيه تعاون و همكارى در جامعه نوبنياد مدينه بودند. توصيه خداوند در قرآن «وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: 2)، به عنوان يك اصل كلى در تمام شئونات مديريت شهرى و شهرسازى پيامبر نيز مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. بر طبق اين اصل، تمام مسلمانان موظف به تعاون و همكارى در كارهاى نيك و ممنوعيت از همكارى و تعاون در ظلم و فساد و گناه مى‏باشند. از اولين اقدامات نبى اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، اقدام به ساخت مسجد بود كه با همكارى و تعاون تمام اقشار شهر مدينه و مركزيت اجتماعى و آموزشى و شهرى مدينه گرديد. مسلمانان دست به كار ساختن مسجد شدند. خود پيامبر نيز مانند يك كارگر عادى كار مى‏كردند... مسلمانان ديگر نيز اعم از مهاجرين و انصار مشتاقانه كار مى‏كردند.43 در امور مربوط به شهر مدينه، رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، همواره سعى در مشاركت توده‏هاى مردم و ايجاد روحيه تعاون و همكارى در سطوح مختلف داشتند. در مورد مشورت‏هاى رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در قضاياى مختلف شهر مدينه و جنگ‏ها و غزوات نيز در همه اين مشورت‏ها، نبى اكرم در پى ايجاد روحيه همبستگى و تعاون و همكارى بودند.44

سنت وقف

سابقه وقف به روزگار پيامبراسلام مى‏رسد.45 رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در شهر مدينه، بنيانگذار سنت حسنه‏اى شدند كه بعدها در سراسر جهان اسلام و در تاريخ و تمدن اسلامى در شهرسازى تأثيرات عميقى بر جاى نهاد. نظام وقف، نه تنها موجب ساخت و ايجاد بسيارى از فضاها و عناصر باارزش شهرها بوده است، بلكه ارتباط و پيوند معنوى و نزديك موقوفات با امور دينى و مذهبى، سبب ماندگارى و پايدارى فضاهاى شهرى موقوفه در طى زمان شده است.46 به عبارت ديگر، سنت وقف، سبب نزديكى مصاديق شهرسازى و مفاهيم مذهبى در شهرهاى عهد اسلامى در تاريخ و تمدن اسلامى گشته است. درآمدزا بودن موقوفه نيز سبب ترميم و محافظت و مرمت از ابنيه شهرى در گذر زمان گرديده است. غيرقابل فروش بودن و ابدى بودن موقوفه، كه دلايل شرعى نيز مؤيد اين قضيه بوده است، خود سبب تداوم و حفظ فضاهاى شهرى در تاريخ و تمدن اسلامى اسلامى تا دوران معاصر گشته است.

مسجد پيامبر، فضاى چند كاربردى و مركز اداره دولت شهر پيامبر

تأسيس بناى مسجد از نخستين اقدامات پيامبر، در نخستين ماه‏هاى هجرت در شهر مدينه است. خود رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به بناى آن اقدام كرد. اصحاب نيز به ايشان كمك مى‏كردند.47 پيامبر با ساخت فضاى عبادى مسجدالنبى، كه با كمك همه اهالى شهر مدينه و زيرنظر مستقيم پيامبر و با همكارى وى ساخته شد، اين مكان را مكان نماز و حكومت و اعمال شهرسازى در مدينه قرار داد. ايشان علاوه بر برگزارى نمازهاى پنج‏گانه در مسجد، از همانجا به اداره امور مى‏پرداختند. از همانجا به ارسال نيروهاى نظامى و پذيرش نمايندگان قبائل اقدام مى‏نمودند. قضاوت مى‏كرد و خصومت‏ها و منازعات بين مردم را حل و فصل مى‏نمود. به علاوه، مسجد پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهبه تدريج به مركز علمى و فرهنگى تبديل شد دارالشوراى مسلمانان در امور عمومى و جنگ و صلح گرديد. در عين حال، مركزى اجتماعى براى رسيدگى به نيازمندى‏هاى نيازمندان بود. از اين جهت، مسجد نهاد عمومى در جامعه اسلامى و ركن اساسى از اركان دولت پيامبر بود؛ مؤسسه‏اى بزرگ، كه شامل فعاليت‏هاى دينى سياسى، اجتماعى، اقتصادى و آموزشى گسترده گرديد.48 پيامبر مسجد النبى را جايگاه عبادت، تعليم و تربيت، قضاوت، بسيج نظامى و مركز فرماندهى، مركز حكومت اسلامى قرار داد.49 در پى آن، بافت شهرى جديدى در شهر مدينه پيرامون مسجدالنبى شكل گرفت؛ كوى‏هاى پراكنده مدينه، كه در شمال كوه سلع قرار داشتند، با يكديگر يك پارچه شدند.50 در شهر اسلامى، مسجد اصلى قلب و مركز شهر را به خود اختصاص مى‏داد و معمولاً به وسيله بازار احاطه مى‏شد.51 مسجد پيامبر، مركز شهرسازى و عملكردى چندبعدى و چندگانه در فضاىشهرى مدينه در تاريخ و تمدن اسلامى عهد مدينه‏النبى بوده است.

بهداشت و فضاهاى بهداشتى

خداوند پاكيزگان را دوست دارد (بقره: 222؛ توبه: 108). پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله فرمودند: خداوند اسلام را بر نظافت بنا نهاده است.52 همچنين فرمودند: به هر چه كه قدرت داريد، با تمام توان بكوشيد، پاكيزه باشيد؛ زيرا خداوند اسلام را در پاكيزگى بنا نهاده است و به جز پاكيزگان، كسى به بهشت نمى‏رود.53 بهداشت و فضاهاى بهداشتى در شهر پيامبر، شامل بهداشت آب، دفع مواد زايد، بهداشت اماكن عمومى، بهداشت مسكن، بهداشت مواد غذايى، بهداشت صوتى و حفظ محيط زيست مى‏شد. پيامبر خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله فرمودند: «بهترين نوشيدنى‏هاى بهشت آب است.»54 آب سالم از نيازهاى اساسى يك شهر سالم است؛ زيرا ورود فاضلاب و فضولات انسانى، سبب نجاست آب مى‏گردد. دفع فاضلاب و عدم ورود فضولات به آب نيز از مباحث شهرسازى شهر سالم مى‏باشد. نگهدارى زباله و رها شدن زباله در فضاهاى شهرى، زمينه‏ساز فعاليت ميكروارگانيسم‏ها و تجزيه مواد آلى و توليد بوى نامطبوع مى‏شود كه در سيره پيامبر از آن نهى شده است. علاوه بر اينكه، حمام در شهر اسلامى از واجبات و ضروريات شهر اسلامى است. در مورد بهداشت ساير اماكن عمومى و فضاهاى شهرى نيز پيامبر مى‏فرمايند: «هر كس چيز آزاردهنده‏اى را از راه مسلمانان بردارد، خداوند پاداش قرائت چهارصد آيه را كه براى هر آيه ده حسنه است، در نامه اعمال او مى‏نويسد.»55 همچنين در مورد مبارزه با آفات و موجودات آزاردهنده، مثل موش، قبل از اينكه به شما آسيب برساند، آن را دفع كنيد.56 اين امر، بيانگر لزوم توجه به پيشگيرى، ايمنى و سلامت در شهر پيامبر و در تاريخ و تمدن اسلامى مى‏باشد. توجه به بهداشت مسكن و اهميت آرامش در فضاهاى مسكونى شهر اسلامى، با توجه به فرموده خداوند: «خدا براى شما خانه‏هايتان را مايه آرامش قرار داد.» (نحل: 80)، نيز در شهر پيامبر مورد توجه قرار گرفته است. پيامبر مى‏فرمايند: «خانه شيطان در خانه‏هاى شما جايى است كه عنكبوت تار تنيده است و شست‏وشوى ظروف و نظافت خانه مايه غناست.»57 با اينكه گفتنى‏ها در مورد توصيه‏هاى عملى و سيره پيامبر در مورد بهداشت بسيار است،58 اما آنچه لازم به يادآورى است، لزوم رعايت بهداشت و دستورات پيامبر در مورد بهداشت زيست‏گاه‏هاى بشرى به صورت‏هاى گوناگون است كه بيانگر توجه به رعايت پاكى و نظافت و بهداشت فضاهاى خردوكلان‏شهرى‏درتمدن اسلامى است.

گذر از جامعه جاهلى به جامعه اسلامى

اينكه پيامبر با چه شيوه‏هايى در قالب مفاهيم شهرى موفق گرديدند كه جامعه جاهلى عصر خود را به طور موفقيت‏آميزى به جامعه اسلامى با مفهوم شهر و شهروندى هدايت نمايند، خود نيازمند درك و استنباط شيوه آن حضرت در اين تغيير و تحول مى‏باشد. ساختار وحى به شخص پيامبر و اعلام ابلاغ و دعوت و انذار از سوى خداوند، «قُمْ فَأَنذِرْ» (مدثر: 2)، ايجاد تغيير در محتواى فكر و بينش مردم را از سوى پيامبر الزامى نموده است. شهرسازى پيامبر در ابعاد تغيير رفتار و تغيير افكار شهروندان مدينه، در راستاى گذر به جامعه اسلامى و شهروند اسلامى‏شدن و پديد آمدن جامعه‏اى مبتنى بر تمدن اسلامى قابل بررسى است. در باب حكمت نظرى و حكمت عملى، پيامبر رهنمودهاى گرانسنگى دارند كه به اجمال بيان مى‏شود. مفاهيمى چون برپاداشتن نظام توحيدى و آشنايى با معاد و نيز نظام عبادى نماز، روزه، زكات و حيطه مباحث اخلاقى سبقت‏جويى در خير، ميانه‏روى، وفاى به عهد، كظم غيظ، صابر و صادق بودن، و تواضع و عدم تجسس در زندگى عمومى افراد، پرهيز از غيبت و تهمت، عفو، گذشت و خيرخواهى، خوش‏رفتارى، دفاع از مظلوم و مقاومت در برابر ظالم، احترام به پدر و مادر، رعايت عدل و انصاف، كمك به مستمندان و يتيمان، احترام به زن، ارزش كار و طلب روزى حلال، رعايت بهداشت، احترام به مالكيت افراد و... را نام برد. اينها همگى زمينه‏ساز تغييرات عرصه‏هاى فرهنگى، مذهبى، اقتصادى، اخلاقى و سياسى شهروندان گرديدند. از سوى ديگر، ارائه الگوى عملى پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در تاريخ و تمدن اسلامى نيز در تنظيم رابطه با شهروندان مدينه، مسلمانان و تشكيلات شهرى، براساس بيعت و نظام برابرى، برادرى و مشاركت همگانى، كه با تأييدات الهى پايه‏ريزى شده بود با بسترسازى مشاركت همگانى مردمى و رفع تبعيض‏هاى اجتماعى، اقتصادى و سياسى در كنار همكارى صميمانه ياران پيامبر و شهروندان مدينه‏النبى، همگى زمينه‏ساز شهرسازى پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در گذر از جامعه جاهلى، به جامعه اسلامى تاريخ و تمدن اسلامى مدينه‏النبى گرديدند.

مديريت شهرى در توسعه فضاى سبز

عوامل متعددى توسط رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله موجب تشويق مردم به توسعه فضاهاى سبز و باغات و كشاورزى در مدينه گرديد. معمول بود كه هر كس زمين بايرى را آباد كند، از آن او باشد.59 علاوه بر آن، بسيارى از زمين‏هاى زراعى ميان اغلب مهاجران به شرط زراعت و باغدارى و تداوم فضاى سبز تقسيم شده‏است.60 افزون‏برتشويق و تداوم فضاهاى سبز شهرى، فرمايشات حضرت نيز مسلمانان را به توسعه فضاهاى سبز شهرى تشويق مى‏نمود. از آن جمله، حضرت مى‏فرمودند: اگر ساعت قيامت برپا شود و در دستان شما يك نهال باشد، اگر قدرت دارد، ايستاده و درخت بكارد، بايد آن را انجام دهد.61 از سوى ديگرقطع‏درخت، به ويژه درخت‏سدردرزمان‏حضرت‏جزبراى‏شخم‏زدن‏ممنوع‏شد.62

عمران و آبادانى

آبادانى و عمران شهرى از مسائل مورد تأكيد در نگرش تمدن‏ساز پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در نظام شهرسازى بوده است. پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله فرمودند: «...كسى كه زمين مرده‏اى را آباد كند، متعلق به خود اوست.»63 يا «بندگان، بندگان خدا هستند و سرزمين‏ها، سرزمين‏هاى خدا هستند... پس هر كسى كه چيزى (مقدارى) از زمين مرده را آباد كند، متعلق به خود اوست.»64 و يا مى‏فرمودند: «اگر كسى زمينى را كه از آن كسى نيست، آباد كند، خود بدان سزاوارتر است.»65

رسيدگى به محرومان

حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله نسبت به آن دسته از مهاجران فقير، كه حتى نمى‏توانستند غذاى روزانه خود را تهيه كنند، توجه ويژه داشت. اين دسته از مهاجران «اصحاب صفه» مى‏ناميدند. «صفه» سكو يا جاى ويژه و برجسته‏اى است. حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهبراى آنان سازه‏اى به صورت سايه‏بان در گوشه شمالى مسجدالنبى ساخت.66 اين صفه، مى‏توانست 70 تا100 نفر را در خود جاى دهد. تعداد افراد ساكن در آنجا، تابع ميزان بهبود وضعيت كلى آنان بود. اصحاب صفه، مدام بيرون مى‏رفتند و تا آنجا كه مى‏توانستند روزى خود را تهيه مى‏كردند. آنان فعالانه در جنگ‏هاى متعدد عليه مشركان شركت مى‏كردند. برخى از آنان در ميادين جنگى شهيد مى‏شدند. در واقع، آن حضرت دو صفه ساخته بودند. يكى براى مردان و ديگرى براى زنان. تعداد مردان به ظاهر از تعداد زنان بيشتر بود. اگرچه اصحاب صفه، واقعا سخت تلاش مى‏كردند تا زندگى خود را بگذرانند. با اين حال، برابر كردن دخل و خرج براى آنان كارى غيرممكن بود. بنابراين، جامعه بايستى در كوتاه‏مدت با تهيه ملزومات روزانه، از جمله دعوت ساكنان صفه براى نهار يا شام و يا بردن غذا به مسجد و يا خوردن در جمع آنان، در درازمدت با فراهم كردن فرصت‏هاى شغلى دائمى به آنان كمك مى‏كرد. بدين ترتيب، آنان را تشويق مى‏كرد كه هرچه زودتر روى پاى خود بايستند. از اين‏رو، تعداد ساكنان صفه هميشه غيرقابل پيش‏بينى بود. ولى اين ورود و خروج‏ها، به ندرت با هم متناسب بودند. در نتيجه، صفه گاهى اوقات بيش از حد شلوغ و گاهى اوقات تقريبا خالى مى‏شد.

اگرچه حكومت اسلامى و شهر پيامبر، از لحاظ مالى ثروتمند نبود، بخصوص طى چند سال اول هجرت، ولى مردم فقير و نيازمند دليلى براى نگرانى نداشتند؛ زيرا در شهرسازى پيامبر علاوه بر خانه‏سازى، ديگر مايحتاج ضرورى زندگى معمولى و آبرومند آنان نيز تأمين مى‏شد. دادن زكات و صدقه فطر در دوران اوليه، به منظور ايجاد معنويت و عاطفه در افرادى كه جامعه‏اى دلسوز، اصولى و استوارى را تشكيل خواهند داد، واجب گرديد. دستور مراقبت از افراد فقير، آن‏قدر در اسلام اهميت دارد كه يكى از ويژگى‏هاى مؤمنان واقعى اين است كه هر آنچه براى خود مى‏خواهند، براى برادران مسلمان خود و ديگران بخواهند.67 اسلام، در صورت لزوم صدقه و مهربانى به ديگران را، به عنوان شكل اصيلفضيلت توصيه مى‏كند. و از آنها حمايت مى‏كند و حتى به انجام آن امر مى‏كند. يكى از دلايلى كه اهل جهنم دچار چنان كيفر دردناك و رنج آورى خواهند شد، امتناع آنان از كمك به مسكينان است: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ» (مدثر: 44) خداوند مى‏فرمايد: «پس تا مى‏توانيد از خدا پروا بداريد و بشنويد و فرمان ببريد و مالى براى خودتان در راه خدا انفاق كنيد و كسانى كه از خست نفس خويش مصون مانند، آنان رستگارانند» (تغابن: 16) و نيز مى‏فرمايد: «اگر خدا را وامى نيكو دهيد، آن را براى شما دو چندان مى‏گرداند و بر شما مى‏بخشايد و خدا سپاس‏پذير بردبار است.» (تغابن: 17)

تقويت نهادهاى آموزشى

مديريت شهرى پيامبر، علاوه بر اينكه دانش‏محور بود، عملاً در تقويت نهادهاى آموزشى در شهر مدينه تلاش مى‏نمود. پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مدينه، همواره به خلق و تقويت نهادهاى آموزشى اهتمام داشت. نهضت دينى قرائت، فهم، اجتهاد و استنباط در زمان پيامبر آغاز شد و به تدريج گسترش يافت.68 پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در شهر مدينه با مديريت نهادهاى آموزشى، عملاً ستاد فرهنگى و خانه معلم تأسيس نمودند. پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله براى گسترش اسلام و آموزش قرآن، در مدينه خانه مخرمه‏بن نوفل را به عنوان دارالقرّاء (خانه قاريان) مركز تربيت معلم قرار داد. از اين مركز، معلمان قرآن را به خارج از مدينه و ساير شهرها اعزام مى‏كرد. واقدى نقل مى‏كند: عبداللّه‏بن ام‏مكتوم پس از جنگ بدر، همراه مصعب‏بن عمير وارد مدينه شد و در دارالقرّاء سكنى گزيد.69 در شهر پيامبر، آموزش و يادگيرى و تعليم علم جزو واجبات است. از حضرت نقل شده است: «دانش بياموزيد.»70 پيامبر در جنگ بدر، به اسيران باسواد فاقد مال و ثروت، دستور داد به جاى فديه، به 10 كودك مسلمان نوشتن را بياموزند و آزاد شوند. به اين ترتيب، نخستين كوشش را براى زدودن بى‏سوادى در پايتخت خويش برپا داشت.71 از سوى ديگر خود ساختار مسجدالنبى نيز به عنوان محلى براى آموزش مورد استفاده شخص پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله قرار مى‏گرفت. صفوان‏بن غسان مى‏گويد: پيش رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله آمدم و او در مسجد تشريف داشت. گفتم: يا رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آله! آمده‏ام علم ياد بگيرم. فرمود: آفرين بر طالب علم.72 بررسى موارد مربوط به سيره و سنت پيامبر در مدينه‏النبى، يادآور اهميت مباحث دانش‏محورى و ايجاد و توسعه نهادهاى آموزشى در تاريخ و تمدن اسلامى مدينه‏النبى در قلمرو شهرسازى است.

نتيجه‏گيرى

با تتبع اجمالى در مفاهيم، اصول و آموزه‏هاى رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در باب شهر و شهرسازى و مديريت شهرى در مدينه‏النبى، نتايج زير حاصل شده است:

1. نگرش پيامبر به شهر و مفاهيم مديريت شهرى، دربرگيرنده توأمان ارتقاى افق‏هاى حيات مادى و معنوى شهروندان بوده است.

2. آموزه‏هاى پيامبر در باب نمودهاى عينى و ملموس كالبدى حيات شهروندان، شامل افزايش سطح شهروندى، نگرش‏هاى زيباسازى محيط شهرى، افزايش تعلقات اجتماعى و امنيت شهرى، افزايش رفاه و آبادانى، تداوم عمران و آبادانى فضاهاى شهرى با سنت وقف، ساخت مركزيت شهرى، خانه‏سازى و مسكن، پرداختن به اقتصاد شهرى و عرصه‏هاى اقتصادى در شهر، امكان حضور مثبت زنان در عرصه‏هاى حيات مدنى شهر، به كارگيرى واقعيات مادى ملموس جامعه و واقعيت‏گرايى، مشاركت مردمى، توجه به قشر جوان جامعه، اهميت فضاهاى بهداشتى و توجه به افزايش سطح بهداشت در فضاهاى شهرى، توجه به خلق و تداوم حيات فضاهاى آموزشى در شهر بوده است. اينها همگى نمونه‏هايى از تأثيرات مثبت انديشه‏هاى شهرسازى و مديريت شهرى پيامبر بر حيات مادى و كالبدى شهروندان مدينه است.

3. تأكيدات و توصيه‏هاى پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در باب مفاهيم معنوى و معنايى شهروندان، شامل توجه به مفهوم‏پردازى و خلق معانى زيبا در حيات ذهنى شهروندان مدينه، ايجاد جامعه مبتنى بر ارزش‏هاى برابرى و برادرى، ايجاد مفهوم وحدت مبتنى بر انديشه روح واحده امت اسلامى، اهميت فضاهاى عبادى و مسجد در فضاى شهرى، امكان رسيدن به مفهوم عدالت اجتماعى، تلاش در رسيدن به مفاهيم حيات طيبه، مشاركت مردم، تعاون و همفكرى در راستاى خلق فضاهاى معنوى، توجه به مفاهيم معنوى عبادت، معيشت، بهداشت و دانش در عرصه‏هاى زندگى جمعى و فردى شهروندان، توجه به ارزش‏هاى اخلاقى در شهر براى عموم شهروندان، سفارش‏هاى اكيد به حفظ حقوق شهروندى و پرهيز از زيان و ضرر مى‏باشد. اينها همگى نمودهايى از شاخصه‏هاى تأثيرگذار بر حفظ حيات معنوى شهروندان مدينه و تأثير مثبت بر تداوم معنوى حيات تمدن اسلامى مدينه‏النبى پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله مى‏باشد.

4. نياز به تجديدحيات مادى و معنوى تمدن اسلامى، الزام دوباره و روزافزون به سرچشمه‏هاى اصيل شجره طيبه و اسوه حسنه و تدبر در شخصيت عالى و عميق حضرت رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را مى‏طلبد. پژوهش حاضر به كارگيرى مفاهيم و بن‏مايه‏هاى انديشه نبى اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، در بازسازى و بازنگرى شهرسازى و مديريت شهرى، شهرهاى معاصر كشورهاى اسلامى را امكان‏پذير مى‏سازد.

5. در اين پژوهش، مفاهيم شهرسازى و مديريت شهرى رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در مدينه‏النبى در محورهاى مورد توجه قرار گرفته است: تعيين نقيبان و نمايندگان سرپرست براى مدينه، تغيير و تحول ساخت قبيله‏اى به ساخت شهرى، مشاوره، همبستگى نهادهاى، قوميت‏ها و طايفه‏هاى مختلف شهرى و پيدايش همبستگى اجتماعى، تشويق شهرنشينى در قبال بيابانگردى، توجه به نقش اجتماعى زنان، توجه به عرصه‏هاى اقتصادى، جوان‏گرايى در مديريت شهرى، ثبت آمار و توجه به واقعيات موجود، ايجاد روحيه تعاون و همكارى، سنت وقف، مسجد به عنوان فضاى چند كاربردى و مركز مديريت شهرى، بهداشت و فضاهاى بهداشتى، گذر از جامعه جاهلى به جامعه اسلامى، توسعه فضاى سبز و افزايش سطح باغ‏هاى شهر مدينه، عمران و آبادانى، ساماندهى بى‏خانمان‏ها و رسيدگى به محرومان، دانش‏محورى و تقويت نهادهاى آموزشى. هريك از اين مباحث، خود به تنهايى و يا در تركيب با ديگر مباحث، مى‏تواند چشم‏اندازى را بر افق‏هاى نوين شهرسازى و مديريت شهرى در شهرهاى اسلامى دوران معاصر بگشايد.

منابع

ـ نهج‏الفصاحه، ترجمه على‏اكبر ميرزايى، قم، صالحان، 1387.

ـ آيتى، محمدابراهيم، تاريخ پيامبر اسلام، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، 1366.

ـ اروجلو فاطمه، «حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و مقابله با اشرافى‏گرى (1)»، تاريخ اسلام، ش 22، تير 1384، ص 27ـ62.

ـ اكرمى ابوالفضل، «بازار در تمدن اسلامى»، فصلنامه پژوهشى دانشگاه امام صادق عليه‏السلام، سال اول، ش سوم، 1375، ص 67ـ 98.

ـ امام خمينى، رساله توضيح‏المسائل، بى‏نا، بى‏جا، بى‏تا.

ـ امين، احمد، فجرالاسلام، قاهره، مكتبة النهضة المصريه، 1972م.

ـ انس، مالك‏بن، الموطا، تصحيح محمدفواد عبدالباقى، قاهره، بى‏نا، 1370ق.

ـ اهلرز، اكهرت، «موقوفات دينى و شهر شرق اسلامى»، ترجمه مصطفى مؤمنى و محمدحسن ضيا توانا، ميراث جاودان، ش 10، تابستان 1374، ص 50ـ53.

ـ ايمانى سطوت، على، «حقوق شهروندى در حكومت نبوى»، حكومت اسلامى، سال يازدهم، ش چهارم، مسلسل 42، زمستان 1385، ص189ـ219.

ـ بلاذرى، احمدبن يحيى، فتوح البلدان، تحقيق صلاح‏الدين منجد، قاهره، بى‏نا، 1965م.

ـ ترنر، برايان اس، وبر و اسلام، ترجمه حسين بستان، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، 1380.

ـ ثقفى سيدمحمد، «علم و انديشه در تمدن اسلامى (3): فعاليت آموزشى در زمان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله»، درس‏هايى از مكتب اسلام، ش 484، تير 1380، ص 38ـ 46.

ـ جمشيدى‏ها، غلامرضا و قاسم زائرى، «سياست‏گذارى فرهنگى پيامبر اسلام و تأثير آن بر موقعيت فرهنگى ـ اجتماعى زنان در زيست‏جهان جاهلى»، پژوهش زنان، ش4،زمستان1387،ص5ـ38.

ـ حريرى، محمديوسف، اسلام و عقايد اقتصادى، تهران، اميرى، 1362.

ـ خاكرند، شكراللّه و ديگران، «پيامبر اسلام صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و جهان‏بينى تمدن‏ساز دينى»، انديشه دينى، بهار 1386، ص 101ـ124.

ـ خامنه‏اى، سيدعلى، درس‏هايى از نهج‏البلاغه، تهران، سيد جمال، بى‏تا.

ـ خرمشاهى، بهاءالدين و مسعود انصارى، پيام پيامبر: مجموعه‏اى از نامه‏ها، وصايا، دعاها و تفسيرها و سخنان جامع و فراگير حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، تهران، علمى و فرهنگى، 1387.

ـ خوئى، سيدابوالقاسم، البيان فى تفسيرالقرآن، نجف، مطبعة الاداب، 1996م.

ـ داورى اردكانى، رضا، «شهر و ساكنانش»، نامه فرهنگ، ش 47، بهار 1382.

ـ رسولى محلاتى، سيدهاشم، زندگانى حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهخاتم‏النبيين، چ بيست‏ويكم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1385.

ـ رودگر، محمدجواد، «اصول اخلاقى در مديريت نبوى»، حكومت اسلامى، ش 42، زمستان 1385، ص 121ـ147.

ـ رهبر، عباسعلى، «شيعه و فرهنگ توسعه»، حكومت اسلامى، ش 5، پاييز 1376، ص 234ـ260.

ـ سبحانى، جعفر، فروغ ابديت، قم، بوستان كتاب، 1385.

ـ سمهودى، على‏بن عبداللّه، وفاء الوفا، تحقيق محى‏الدين عبدالحميد، قاهره، بى‏نا، 1374ق.

ـ سيف‏الدينى، فرانك، «روند شهرنشينى مسئله شهرهاى بزرگ»، پژوهش‏هاى جغرافيايى، ش 36، مهر 1378، ص 75ـ80.

ـ شريف قرشى، باقر، زندگانى پيامبر اعظم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، ترجمه سيدابوالحسن هاشمى‏تبار و محمد تقدمى صابرى، مشهد، بنياد پژوهش‏هاى اسلامى مشهد، 1387.

ـ صرافى و ديگران، «مفهوم، مبانى و چالش‏هاى مديريت شهرى: ميزگرد تخصصى»، مديريت شهرى، سال اول، ش 2، تابستان 1379، ص 68ـ81.

ـ طباطبائى، سيد محمدحسين، تفسير الميزان، ترجمه سيد محمدباقر موسوى همدانى، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامى، 1374.

ـ طبرى، محمدبن جرير، تاريخ طبرى، ترجمه ابولقاسم پاينده، تهران، اساطير، 1375.

ـ عبدالستار، عثمان‏محمد، مدينه اسلامى، ترجمه على چراغى، تهران، اميركبير، 1376.

ـ عروتى موفق، اكبر، «پيامبر اعظم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله بنيانگذار تمدن اسلامى»، معرفت، ش 110، بهمن 1385، ص 33ـ41.

ـ عسقلانى، ابن‏حجر، كتاب الاصابه فى التميز الصحابه، قاهره، بى‏نا، 1328ق.

ـ فيرحى، داود، «دولت - شهر پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله»، مجله علمى ـ پژوهشى دانشكده حقوق و علوم سياسى دانشگاه تهران، ش 73، پاييز 1385، ص 183ـ236.

ـ كلينى، محمدبن يعقوب، اصول كافى، تصحيح على‏اكبر غفارى، قم، دارالكتب اسلامى، 1375.

ـ لك‏زايى نجف، «پيامبر اسلام صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و شيوه گذر از جامعه جاهلى به جامعه اسلامى ـ به سوى يك نظريه توسعه»، تاريخ اسلام، سال اول، ش اول، بهار 1379، ص 6ـ40.

ـ محمدى، محمود، «تحليل نقش متقابل وقف و شهرسازى، برنامه‏ريزى فضايى ـ كالبدى راهبردى جديد در توسعه و بهره‏بردارى بهينه موقوفات»، ميراث جاودان، ش 30، تايستان 1379، ص 94ـ105.

ـ منتظرالقائم، اصغر، تاريخ اسلام تا سال 40 هجرى، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1384.

ـ نظرى منفرد على، تاريخ اسلام رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله از هجرت تا رحلت، قم، جلوه كمال، 1386.

ـ يوسفى، حسينعلى و مهرى شيرانى، «شاخص‏هاى بهداشت محيط در پرتو آموزه‏هاى سيره پيامبر اعظم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله»، مجله علمى ـ پژوهشى دانشگاه علوم پزشكى رفسنجان، دوره ششم، زمستان 1386، ص 95ـ100.

\* استاديار دانشكده هنر و معمارى دانشگاه آزاد اسلامى واحد تبريز. sattari@iatu.ac.irدريافت: 11/4/90 ـ پذيرش: 15/9/90.

4ـ فرانك سيف‏الدينى، «روند شهرنشينى مسئله شهرهاى بزرگ»، پژوهش‏هاى جغرافيايى، ش 36، ص 75.

5ـ ر.ك: رضا داورى اردكانى، «شهر و ساكنانش»، نامه فرهنگ، ش 47.

6. Saoud Rabah, Introduction to the Islamic city, p. 1.

7ـ ناظر بر آيه 2 سوره مباركه ابراهيم.

8. Omer Spahic.

9. Some Universal and Timeless Lessons of the Prophet Muhammad in Urban Planning and Development.

10. Paolo Cueno.

11ـ صرافى و ديگران، «مفهوم مبانى و چالش‏هاى شهرسازى»، مديريت شهرى، سال اول، ش 2، ص 81.

12ـ محمدبن جرير طبرى، تاريخ طبرى، ج 3، ص 953.

13ـ عبدالستار عثمان محمد، مدينه اسلامى، ترجمه على چراغى، ص 50.

14ـ همان، ص 5.

15ـ سيد محمدحسين طباطبائى، تفسير الميزان، ترجمه سيد محمدباقر موسوى همدانى، ج 4، ص 87.

16ـ على ايمانى‏سطوت، «حقوق شهروندى در حكومت نبوى»، حكومت اسلامى، سال يازدهم، ش چهارم، مسلسل 42، ص 204.

17ـ نهج‏الفصاحه، ترجمه على‏اكبر ميرزايى، ح 2983، ص 480.

18ـ همان، ح 2985، ص 480.

19ـ همان، ح 2986، ص 480.

20ـ شورى: 37ـ38.

21ـ آل‏عمران: 159.

22ـ محمدابراهيم آيتى، تاريخ پيامبر اسلام، ص 234، به نقل از: ابن‏هشام، سيره‏النبى، ج 2، ص 119ـ123.

23ـ محمدابراهيم آيتى، همان، ص 235.

24ـ سيدابوالقاسم خوئى، البيان فى التفسيرالقرآن، ج 1، ص 201.

25ـ سيدعلى خامنه‏اى، درس‏هايى از نهج‏البلاغه، ص 313.

26ـ نساء: 97.

27ـ گوستاو ون گرونبام.

28ـ برايان اس ترنر، وبر و اسلام، ترجمه حسين بستان، ص 80.

29ـ غلامرضا جمشيدى‏ها و قاسم زائرى، «سياست‏گذارى فرهنگى پيامبر اسلام و تأثير آن بر موقعيت فرهنگى ـ اجتماعى زنان در زيست جهان جاهلى»، پژوهش زنان، ش 4، ص 32.

30ـ فاطمه اروجلو، «حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و مقابله با اشرافى‏گرى 1»، تاريخ اسلام، ش 22، ص 34.

31ـ نجف لك‏زايى، «پيامبر اسلام صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و شيوه گذر از جامعه جاهلى به جامعه اسلامى ـ به سوى يك نظريه توسعه»، تاريخ اسلام، سال اول، شماره اول، ص 3.

32ـ برگرفته از سوره مباركه نور، آيه 31.

33ـ عباسعلى رهبر، «شيعه و فرهنگ توسعه»، حكومت اسلامى، ش 5، به نقل از: شكراللّه خاكرند شاكرند و ديگران، «پيامبر اسلام صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و جهان‏بينى تمدن‏ساز دينى»، انديشه دينى، ص 117.

34ـ امام خمينى، رساله توضيح المسائل، ص 211، مسئله 1925 بخش مربوط به مصرف زكات.

35ـ على‏بن عبداللّه سمهودى، وفاء الوفا، تحقيق محى‏الدين عبدالحميد، ج 1، ص 747.

36ـ ابوالفضل اكرمى، «بازار در تمدن اسلامى»، فصلنامه پژوهشى دانشگاه امام صادق عليه‏السلام، سال اول، ش سوم، ص 74.

37ـ نهج‏الفصاحه، ح 152، ص 36.

38ـ محمدجواد رودگر، «اصول اخلاقى در مديريت نبوى»، حكومت اسلامى، ش 42، ص 140.

39ـ جعفر سبحانى، فروغ ابديت، ص 400.

40ـ همان، ص 846و847.

41ـ سيدهاشم رسولى محلاتى، زندگانى حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهخاتم‏النبيين، ص 657.

42ـ باقر شريف قرشى، زندگانى پيامبر اعظم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، ترجمه سيدابوالحسن هاشمى‏تبار و محمد تقدمى صابر، ص 223.

43ـ سيدهاشم رسولى محلاتى، همان، ص 269.

44ـ اكبر عروتى موفق، «پيامبر اعظم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله بنيانگذار تمدن اسلامى»، معرفت، ش 110، ص 38.

45ـ اكهرت اهلرز، «موقوفات دينى و شهر شرق اسلامى»، ترجمه مصطفى مؤمنى و محمدحسن ضياتوانا، ميراث جاودان، ش 10، ص 51.

46ـ محمود محمدى، «تحليل نقش متقابل وقف و شهرسازى، برنامه‏ريزى فضايى ـ كالبدى راهبردى جديد در توسعه و بهره‏بردارى بهينه موقوفات»، ميراث جاويدان، ش 30، ص 96.

47ـ على نظرى منفرد، تاريخ اسلام رسول اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله از هجرت تا رحلت، ص 101.

48ـ داود فيرحى، «دولت ـ شهر پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله»، مجله علمى ـ پژوهشى دانشكده حقوق و علوم سياسى دانشگاه تهران، ش 73، ص 201ـ202.

49ـ شكراللّه خاكرند و ديگران، همان، ص 110.

50ـ اصغر منتظرالقائم، تاريخ اسلام تا سال 40 هجرى، ص 121.

51. Rabah Saoud, Introduction to the Islamic City, p. 6.

52ـ محمديوسف حريرى، اسلام و عقايد اقتصادى، ص 63.

53ـ نهج‏الفصاحه، ح 774، ص 143.

54ـ بهاءالدين خرمشاهى و مسعود انصارى، پيام پيامبر: مجموعه‏اى از نامه‏ها، وصايا، دعاها و تفسيرها و سخنان جامع و فراگير حضرت محمد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله، ص 785.

55ـ حسينعلى يوسفى و مهرى شيرانى، «شاخص‏هاى بهداشت محيط در پرتو آموزه‏هاى سيره پيامبر اعظم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله»، مجله علمى ـ پژوهشى رانشگاه علوم پزشكى رفسنجان، ص 97.

56ـ همان، ص 98.

57ـ همان، ص 99.

58ـ براى مطالعه بيشتر سيره پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و اهل‏بيت عليهم‏السلام در مورد بهداشت، ر.ك: محمدبن يعقوب كلينى، اصول كافى.

59ـ مالك‏بن انس، الموطا، تصحيح محمدفؤاد عبدالباقى، ج 2، ص 743.

60ـ احمدبن يحيى بلاذرى، فتوح‏البلدان، تحقيق صلاح‏الدين منجد، ج 1، ص 22.

61ـ نهج‏الفصاحه، ح 1541، ص 265.

62ـ همان، ص 25و26؛ ابن‏حجر عسقلانى، كتاب الاصابه فى التميز الصحابه، ج 2، ص 324.

63ـ همان، ح 10، ص 11و12.

64ـ همان، ح 11، ص 12.

65ـ بهاءالدين خرمشاهى و مسعود انصارى، همان، ص 859.

66. Laith Suud Jassem, Al-Ri'ayah wa al-Khidamat al-Ijtima'iyyah fi'Asr al-Nubuwwah, p. 343.

67. Spahic Omer, Op.Cit, p. p. 7& 8.

68ـ احمد امين، فجرالاسلام، ج 1، ص 198.

69ـ سيدمحمد ثقفى، «علم و انديشه در تمدن اسلامى 3: فعاليت آموزشى در زمان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله»، درس‏هايى از مكتب اسلام، ش 484، ص 40، به نقل از: محمدبن عمر واقدى، طبقات ابن‏سعد، ج 5، ص 76.

70ـ نهج‏الفصاحه، ح 125، ص 32.

71ـ باقر شريف‏قرشى، همان، ص 534.

72ـ سيدمحمد ثقفى، همان، ص 45.